



امر ملّی و عبور از دوگانهٔ یکدست‌سازی و خصومت‌سازی

یادداشت پرویز امینی استاد دانشگاه

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی روز گذشته در جمع مسئولان قضایی کشور، بر نکته‌ای مهم تأکید کردند. آن نکته، مسئله «اقامه امر ملی» بود. تحلیل ایشان این بود که آنچه ما را در برابر این تهدید چند جانبه و مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی پیروز کرد و ما توانستیم هم تهدید را دفع کنیم، هم آن را رفع کنیم و هم پاسخی متناسب به دشمن آمریکایی و صهیونیستی بدهیم، اقامه همین امر ملی بود. معنای امر ملی این است که ما جامعه متکثری داریم. درون این جامعه به لحاظ ارزشی، سیاسی، مذهبی و سبک زندگی اختلاف وجود دارد. گروه‌های مختلف اجتماعی به سبب این تفاوت‌ها از هم جدا و تفکیک می‌شوند اما پاسخ جامعه در برابر یک مسئله مشترک، چه در قالب تهدید و چه در قالب هدفی برای پیشرفت، باید از موضع امر ملی باشد. امر ملی تنها پاسخی نیست که یک جامعه می‌تواند به یک تهدید مشترک یا مسئله مشترک بدهد. دو پاسخ دیگر هم دست‌کم وجود دارد: یک پاسخ این است که ما تفاوت‌ها و تکررها و اختلاف‌ها را نادیده بگیریم یا بدتر، سرکوب کنیم. پاسخ دوم این است که یک نوع رهاشدگی در این وضعیت متکثر اجتماعی قائل شویم که منجر به خصومت و ضدیت گروه‌بندی‌های اجتماعی مان شود. یک وضعیت آناگونیستی (تقابل خصمانه)، جامعه را در اصطکاک، فرسایش و کشاکشی دائمی قرار می‌دهد. امر ملی ناشی از بلوغ تمدنی یک جامعه است که می‌تواند در برابر یک مسئله مشترک از این اختلافات و تفاوت‌ها فرآوری کند؛ نه تفاوت‌ها را سرکوب کند و نه تفاوت‌ها را به اصطکاک و فرسایش اجتماعی تبدیل کند.

بعد که از آن فرآوری کند و یک امر ملی را سازمان بدهد، نتیجه اتحاد ملی است. اتحاد اجتماعی، حاصل قوام درک امر ملی است. اقتدار ملی هم نتیجه ادراک جامعه در برابر یک مسئله به صورت امر ملی است. بنابراین امر ملی همزمان اتحاد ملی و اقتدار ملی یک جامعه را می‌سازد. بنابراین در برابر تهدیدها و لو اینکه پیچیده باشند و قوی‌ترین موجودیت‌های مادی را به شما تحمیل کرده باشند، شما را مقتدر کرده و امکان پاسخگویی را مثل آنچه در جنگ ۱۲ روزه دیدیم، فراهم می‌کند. تجربه‌های تلخی در جامعه ایران داریم، مثل کودتای ۲۸ مرداد. ادامه در صفحه ۲

«انسجام ملّی»؛ فرمول حفظ هستهٔ سخت ۹۰ میلیونی

یادداشت محمد رضایتی عضو شورای سردبیری

روزی که نتانیاهو در یکی از ساختمان‌های وزارت جنگ با هماهنگی ترامپ، نقشه طراحی حمله به ایران را بالا و پایین می‌کرد، موفقیت صددرصدی عملیات را در ذهنش می‌ساخت و این‌طور تصور می‌کرد با حمله‌ای برقی آسا و خارج از تصور، طوری که مقامات ایرانی از شکل و شیوه حمله غافلگیر شوند. ابتدا دو هدف اساسی را در سطح تصمیم‌گیری و عملیات نظامی نابود می‌کند و تا ایران بخراشد به خودش بیاید که چه اتفاقی افتاده مراحل بعدی هم عملیاتی می‌شود، یعنی در سطح سیاسی هم سیستم قادر به بازسازی و تصمیم‌گیری نخواهد شد و مراحل نهایی نقشه اجرایی خواهد شد تا دیگر نه از تاک خبری باشد و نه از تاک‌نشان. نقشه از نظر بی‌بی، مولای درزش نمی‌رفت و دقیق بود. شاید نتانیاهو در مراحل اولیه روی شورش اجتماعی فکر نکرده بود؛ اما گمان می‌کرد انفعال اجتماعی قطعی است. سرمایه اجتماعی که طی سال‌های مختلف تحلیل رفته و لاغر شده بود، حالا بی‌پای‌کاری می‌آمد باید حداقل می‌نشست و تماشا می‌کرد تا این عملیات کثیف به نتیجه برسد؛ درست مانند ۸۴ سال پیش که مردم نشستند و تماشا کردند؛ روزی که حتی شاه مملکت هم نفهمیده بود که بیخ‌گوش سه قدرت مثلاً برتر فردای جنگ جهانی دوم نشسته‌اند و برای کشور پهناور ایران تصمیم می‌گیرند. مردم آن روز جاده صاف‌کن قدرت‌های خارجی برای دخالت در حاکمیت ایران نشدند؛ اما نشستند و تماشا کردند و شد آنچه شد. شهریور تلخ ۱۳۲۰ رقم خورد. نتانیاهو حالا همان نقشه را داشت. او عملیات روانی خود را گام به گام هم پیش برد؛ مثلاً جایی که خواست اطمینان بدهد با مردم ایران کاری ندارد و دنبال آزادی آن‌هاست! ادامه در صفحه ۱۴

نقدی به کنشگری سیاسی دو جریان رادیکال

آقایان! انتخابات تمام شده

پروژه مشترک آمریکا و اسرائیل برای سوریه چه بود؟ براندازی، تحمیق و بمباران

شهریور ۲۰ و روزهای تحقیرآمیز دوران پهلوی و قاجار در آثار نمایشی چطور تصویر شده‌اند

یادداشت رئیس دانشگاه آزاد واحد بین‌الملل فرشتگان در مجله نیچر

نباید در سوگواری نابودی علم گزینشی عمل کرد

آن روزهای سیاه

